

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
ساحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیة (جبل المتین)

(عنوان مراسلات)

طهران خیابان لاله زار
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اقا شیخ یحیی کاشانی

غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیة

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت یک نسخه)

در طهران یکصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطره

دو قران است

روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

چهارشنبه ۳۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۳ خرداد ماه جلالی ۸۲۹ و ۲۱ ژوئن ۱۹۰۷ میلادی

رفع ظلم

دولت ایران هرگز مشروطه نبوده و اگر بوده
در این تردیدی ها که اصول و ترتیبش در نظر خلق باشد
نبوده واقعا هرگاه در زمانهای بسیار قدیم یکوقتی این
خاک دارای سلطنت دستوری و قسطنطنیه بوده است
در تاریکی تاریخ کم شده و اثری از او باقی نمانده است
لهذا اگر اغلب از ماها در مجالس و مجامع حرفهایی
بزنیم که ربطی بمشروطیت نداشته و بسکلی بر
خلاف کنتی توسیون باشد چندان مورد ملامت
و سرزنش نیستیم

پس برعکس دانشمندی که بر موز این کار واقف
و از ترتیب این عمل مسبوقند لازم است که حتی المقدور
خلق را آشنا باوضاع مشروطیت سازند و اسباب و افزار
این چرخ را بر مردم حلی کنند و بر مردم نیز لازم است
اگر حقیقت میخواهند صاحب سلطنت مشروطه و
کنتی توسیون باشند از لوازم آن مطلع و اصول آنرا
در ذهن حاضر داشته باشند — وقتی بر ما گذشت که
عرض از مجالس و محافلمان تنها همان نشستن و گفتن
و برخاستن بودا گرچه باودکی و مسخرگی باشد وقتی
را بهیچ وجه و بوج صرف میکردیم و عمر را بیوک و مکر
میگذرانیدیم و در فکر کاروانیه نبودیم: هرچه پیش آید
خوش آید را ورد زبان ساخته بودیم اما امروز آنروز
نیست امروزه باید بخواییم و بدانیم و بکنیم، لازمه
مشروطیت دانستن و بکار بستن است نه بهیچل خود
سفرور شدن و وقت خود را بیطالت صرف کردن —
حالی را نمیتوان مثل روزگار گذشته فرض کرد

و بچند شعر و عبارات مسجع و مقفی صبح را بشام
رسانید این خرمن کوفتن است که گاو نر و مرد کهن
میخواهد با یک بز لاغر و طفل نابالغ نمیشود کار از پیش
برد — این صحبت از نمره صحبتهای روستائیان در
شبهای زمستان نیست مفر مستعد و ذهن صاف و سلیقه
خوش میخواهد علم و اطلاع لازم دارد زحمت و دوندگی
در کار است بمحض قول که (ما مشروطه هستیم)
درست نمیشود فعلیت واجب است —

بسیار خوب حالا از اول شروع میکنیم و قصه را
از سر میگیریم چه باید کرد؟

اول باید مواد اصلیه کنتی توسیون را ترجمه
کرد و در فصول و موادش باذقت هرچه تمامتر غوررسی
و تأمل نمود فائده یکی یکی را فهمید و مفهومی ترک هر کدام
را ملتفت شد از نگاه جملهگی را در کتابچه قانون اساسی ثبت و باامضاء
پادشاه رسانید

از حلقوم جهالت ندهائی بیرون میاید که ابدا مناسب
بمشروطیت و مشروعیت و قانون و همه چیز ندارد باید
این صداها قطع شود و در عوض آنها حرف حسابی و سخن
بقاعده گفته شود، مثلاً یکی میگوید مردم نباید رفع ظلم
بکنند و هیچ انجمنی حق این گفتگو را ندارد و نمیتواند
در خطاسنامه خود مندرج سازد چنانکه مدتی
در انجمن عراقیان این مسئله مطرح مذاکره بود و
تنها دلیلی که بر صحت این حرف پا در هوا میزدند آن بود
که انجمن قوه مجریه ندارد و دارای این قوه هیئت دولت
است

خوب این کلمه مطابق کدامیک از ادیان عالم و
موافق چه قانون از قوانین دنیا است، می شبهه مطابق

هیچکدام نیست اما شریعت غراء اسلام که رفع ظلم را بر تمام افراد واجب کرده و نهی از منکر را یکی از شعار بزرگ دین حنیف قرار داده هرگز مختص بیک نفر مخصوصی نفرموده است اگر او رندارید این آیه مبارکه را در قرآن ملاحظه فرمائید

(کنتم خیر امة اخرجت للناس تا مرون بالمعروف

وتنهون عن المنکر) یعنی ای مسلمانان شما بهترین امتها هستید که از میانه مردم درآمده اید و بر تمام ملل عالم برتری و فضیلت دارید و سبب این شان و ترجیح شما آنستکه معروف را امر و منکر را نهی میکنید پس بفناد این آیه اگر ما از این وظیفه مقدسه کناره کنیم منکر و معروف را بحال خود بنهیم از دیگران ترجیحی نخواهیم داشت و نباید خود را از امت مرحومه بشماریم، این يك سطر قرآن که چند کلمه بیش نیست خیلی مطالب عالی را کشف میکند و همان مطلبی را که دانایان بعد از هزار سال فکر فهمیده اند بخوبی معنی میدهد یعنی میگوید قدرت و اختیار ملت نباید در یکجا جمع شود و سایر خلق خدا مسلوب الاختیار بشوند بلکه قدرت را بهمان قسم که دست قدرت الهی در تمام افراد امالت گذارده است بیدور تمام احاد مردم باشد خودشان حا که خودشان باشند و فیصله حل و عقد امور بدهند — چه طور؟ بهمان طور که امروز ما کرده ایم — چه کرده ایم؟ قدرت و اختیار را در میان تمام افراد ملت پخش کرده ایم و قرار داده ایم همه حاکم باشند اما چون اجتماع همه در یکجا محال است و ممکن هم نیست همه دست از کار بکشند و بشغل حکومت بپردازند از بین خود و کلاء امین انتخاب کرده اند که بمنزله موکل است پس خود حاکم بر خود هستند يك قوه خارجی مبطر و غالب بر ملت نیست اما گمان نکنید معنی حرف من اینست که مردم رجله در کوچه و بازار افتاده باسم امر بمعروف و نهی از منکر خاق را اذیت کنند و بنام انجمن همت آباد خانه بندگان خدا را خراب نمایند ترتیب را باید منظور کرد و هرج و مرج را موقوف کار راه دارد و امر حساب بیگدار نباید باب زد و راه بانلاق نباید پیش گرفت

مردمانیکه حق امر بمعروف و نهی از منکر دارند همان کسانی هستند که حق انتخاب و کبل دارند آخر وقتیکه و کبل کاری کرد مگر آنها نکرده اند دیگر خودشان حق جواب و سؤال ندارند و بنفسه نمیتوانند خود مباشر حاکمیت بشوند بلکه اگر از ولاء خود خیانت یا خلاقی دیدند حق عزل و خلعش را دارند — حالا من نمیگویم در امور ملکی نباید رای داد چرا هر کس حق رای دادن دارد و میتواند

منویات خوب باید خود را بتوسط جسراند یا لوابیح در نظر عموم بگذارد لکن اعتبار آن وقتی است که وکلاء بیسندند و در جزء مواد قانونی مندرج کنند — هر آدم بمحض آنکه فلان اقدام بنظرش خوب و مفید بحال عموم آمد نباید اجراء بکند و الا از مشروطیت خارج و یک مملکت هرج و مرجی پیدا خواهند نمود حالت کنونی ما چندان تعریفی ندارد احتمال هم می رود يك عاقبت ناگواری دردناک داشته باشد که اسباب مضحکه اهل عالم بشود چرا؟ بجهت اینکه وقتی مادست از کار و شغل خود برداشتیم و همه کارمان را روی يك کار گذاشتیم حالت رومانهای قدیم را پیدا میکنیم یعنی ده روزیست روز دوماهش ماه که گذشت و وقت ماصرف این کارها شد دیگر در بساط زمان چیزی نمیماند و پول تمام میشود انوقت است که يك بهانه و وسیله بخانه این و آن میریزیم و هر چه پیدا کردیم بتاراج میریم هر کس تاریخ خوانده دیده است که مجلس شورای رومیه الکبری چقدر وقتها گرفتار این قبیل وقفهای ناگوار شده است — زمزمه این مطالب هم دارد در ایران شروع میشود، اول اینکار از روستاها سر میزند و کم کم بشهرها سرایت میکند چنانکه اهالی وساکنین (لشته نشا) که از محال رشت و متملق بامین الدوله است مدتی است سر بطغیان بر آورده و انبار برنج صاحب قریه را چاپیده اند — اگر چه همه کس میدانند این حرکت را مشاعو مبدا از کجا است لکن نمیتوان گفت که همه تقصیر محرک است وضع مملکت امروز مستعد این قبیل حادثات است فقط منتظر پیرایه است اگر در دو سه سال قبل هر چه مفسد آتش را دامن میزد ممکن نبود رعایا اقدام باین امر بکنند — ترس من از اینستکه این مرد خوب که امروز ازین کارش خیلی خوشحال است خبر ندارد که مردم وقتی چنین کاری را تعلیم گرفتند فردا بروزگار خودش هم نظیر انرا میاورند

ما از گذشته صرف نظر کردیم و عنی الله عما سلف گفتیم خوبست شما هم بعد ازین عداوتهای گذشته را کنار بنهید تا کاوخ انداز را یا داش سنک نشود — از اصل مطلب دور نیفتیم و بمعترضه نیر دازیم باری مقصود آنستکه افراد ملت اسلام بر حسب قانون محمدی^ص حق رفع ظلم دارند قوانین دولتمتدنه نیز تمام فتوی صریح بر این ماده قانونی میدهد و چنانکه در نظامنامه اساسی فرانسه و سایر دول این فصل مذکور است لکن بترتیب یعنی اول باید بوز راء که دارای قوه اجرائیه هستند اظهار نموده و رفع ظلم را از آنها خواست اگر گوش ندادند بمجلس سنا و مبعوثان اظهار

کرد بعد از یاس از آنها افراد حق دارند خود شان رفع ظلم بکنند و کسی حق مؤاخذه از آنها ندارد میخواستیم در این نمره از آزادی مطبوعات سخن بگویم اما حال دیگر طول کشید موخسته میشوید بماند برای شمارهی آتیه (کر نمره ۱۰۰۰ دوزیم)

قابل توجه اولیای دولت و وکلای ملت

(داریفوس) نام صاحبمنصب فرانسوی در چهارده سال قبل بجرم و اسکنار دن قشه سرحدی فرانسه بسفارت عمان منبم گردید اهالی پاریس باو منها جم شده در میدان مشق حاضرش داشتند و از تمام امتیازات خلعتش نموده مقید و مجبوسش ساختند مدت چند سال در تحت استنطاق بوده تا اینکه برائت ذمه حاصل داشت موجب صد هزار اسوس است که در وطن مقدس ما نه خدمت و در سنکاری را ستایش و نه خیانت و بد رفتاری را نکوهش باشد از قرار تحقیق چهار ده ماه قبل میرزا اسمعیل خان سرهنک قزاق در نزد پانکونیک مشتم و مقصر گردید جرمش این بود که اسرار هویدا میکرد بجرم افشای را ز اجانب که مایه شر و فتور دولت و ملت و مملکت است در مذهب (دیپلمات) مشاق قزاق تکبیر شده از خدمت قزاقخانه اخراجش داشتند حقوق و شئونش را قطع نمودند بیچاره لا علاج صبر و تحمل پشه داشت که شاید با تیشه داد خواهی و غور رسی ریشه غداری و بیدادگری را قطع کند و حقوق خود را ضایع نگذارد افلا چهارده دقیقه در حقت استنطاق نشد خدمت آقای نایب السلطنه وزیر جنک نظلم برد توجه و احقاق حقتش بعمل نیامد با اینکه معلم قزاق مطلق فصول قرار دادی که در سنه هزار و سیصد و دوازده تحصیل داشته اند آنچه در فصل و شرط هشتم مقید است صاحبمنصبی را که عزل و خارج نمایند حقوقی را که در آن روز دارا بوده حق دارد که همراه خود ببرد و بردن حقوق ثابتة سابقه خود ذیحقی خواهد بود لذا باید دانست که این صاحبمنصب خود بعیل خود ترک خدمت گفته و طفره و کناره جسته یا معلم قزاق نخواستند که در آن اداره مستخدم بوده باشد چنانچه مشاق قزاق بدیل خود اورا خارج کرده از روی قاعده و قانون دیسیلم باید تمام حقوقاتی که دارا بوده بدهد هر گاه تقصیر و خلافی از او سر زده و خیانتی از او بروز کرده چه علت دارد که تقصیر او را ثابت نمیکند و در باره اش جزا و جنایت را معمول نمیدارید که سایر طبقات و اصناف قشونی را اسباب عبرت گردد

بالکونیک تا باین حد هم اکتفا نکرده و پای تجاوز را بالا تر گذارده اسدالله خان سرتیب و یکنفر سرهنک دیگر را از خدمت آن اداره چندی است که خارج نموده آ یا از طرفی وزارت جلیه جنک بهرچوجه نباید چار گیری شود و تحقیقی بعمل آید این او مات که قام و لسان آ زادات در بعضی جزایر از او ضاع قزاقخانه و تجاوزات معلم قزاق و فصول قرار نامه و امتیازات آنها و صورت بودجه قزاقخانه را نگاشته اند یا لکونیک مشاق قزاق که رشته حیات مستخدمین بر یکاد را در کف قدرت خود میداند نسبت این مطالب مندرجه غامضه را بمیرزا اسمعیل خان سرهنک میدهد راضی نشده که بیچاره لقمه نانی خورده و جرعه آبی نوشد باین اسوء احوال بقید حیات و زندگانی باقی باشد بکنفر از صاحب منصبان ایرانی تژاد را دستوری داده که جمعی قزاق را باتفاق یکنفر صاحبمنصب به تشیر لباس شب باطرافی منزل مشار الیه بفرستند مواظبت نمایند تا موعه قصدی باو رسانند و از لباس زندگانی و هستی بالمره عاریش سازند آن مسلمان زاده از خبث سیرت و سوء سریرتی که داشت بطمع درجه و احسان اجابت داو طلب شده که بتقدیم اینخدمت پردازد و خاطر بالکونیک روسی را از خود مسرور و مشغوف سازد چند شب ریاضت مراقبت را بر خویش هموار نموده از انجا که تقدیرات ربانی ماحی تدبیرات انسانیست بر این اقدام موفق نشد ای صاحب منصبان قزاقخانه تا این حد پانیک اجانب را تقویت کردن و بمالک و ملت خیانت نمودن را جهت چیست و از وطن و اهل وطن اعراض کردن را سبب کدام است ؟ دیگر بس است

فحاق و عشاق را کنکار گذارید بیش از این راضی بایذاء و اذیت هم نشوید مضمی ما مضمی آنچه که از شما فوت شده وقت است که جبران نمایید آخر شما تید مسلمانان و ایرانی آخر شما تید حافظین بیضه اسلامی بدینها در راه صرک دولت و ملت و مملکت اقدام و اهتمام لازمه را بر خود جایز دانید و فریضه ذمه خویش شمارید و الا وای بر حال شما که جز ننگی در صفحه روزگار از شما باقی نخواهد ماند (من آنچه شرط بلاغ است با شما گویم)

مراغه

چندی بود که اکثر روز نامه نگاران از مراغه بد نوشته و اهالی اورا جاهل و کاهل و رؤساء و علماء اورا عاری از مدنیت میدانستند حتی در کتاب سیاحت نامه ابراهیم بیک هم اهالی مراغه را بیکار و درکنار

رودخانه صافی تریاک کئی و مساجد مراغه را انبار
 خربزه نوشته است و دکان بقای کفنه است ولیکن بمقاد
 آیه وای هدایه فذکر فان الذکری تنفع المؤمنین
 این همه اعتراضات و سرزنش ها اهل مراغه را از خواب
 غفلت بیدار و بسپو برخوردار کرده است ده روز است
 که بجهت مطالبه قانون اساسی و نظامنامه انجمن های ایالتی
 اهالی دکان را بته عموماً در کنار رودخانه صافی
 جمع و هر صنف جوهره جوهره در امور خیریه و تفریح عموم
 سخن میرانند و از صبح تا شام علما و تجار و اصناف و
 سایرین و قریب بانهصد نفر فدائیان مشق نظام میکنند
 حالیکه جنابان حاج ملا حسن مقدس و حاج میرزا اسحق آقا
 و حاج فخرالعلما و سراج العلما و صدر المحققین و سایر
 علما و طلاب قریب شصت و هفتاد نفر مشق نظام میکردند
 در پیشا پیش فوج علما طبل مشق می نواختند از اجله
 تجار و آقایان قریب دویست نفر همگی تفنگ بر دوش
 مشغول مشق بودند و جناب منصور السلطان میرینجه
 و جناب لطف الله خان سرتیب توپخانه
 مشق میدادند عکاسی آورده چند شیشه عکس برداشتند
 چند روز است بهمین قرار کنار رودخانه صافی میدان
 مشق شده اهالی با کمال ذوق و شوق مشق نظام کرده
 خودشان را حاضر جهاد و بهیوی جان نثاری در راه وطن
 میکنند که از انجمن تبریز و با مجلس شورای کبرای طهران
 بهر طرف ار شود حرکت کنند و بتازند و اکثر روزها
 آقای حاجی میرزا حسن آقای مقدس که یکی از اعضاء
 انجمن مقدس مراغه است در مساجد از مشروطه و مساوات
 موعظه می نمایند و می توان گفت که این شخص بزرگوار
 اول سیاسی دان عالمست و از زمین توجه و مرحمت انجمن
 مقدس مراغه یکپای مدرسه بطرز جدید موسوم بدبستان
 شکوهی در عسارت بیرونی بنده در تحت ریاست آقای
 منصور السلطان تأسیس شده قریب شصت نفر از نوادگان
 وطن با ملوب جدید تدریس میشود حالیه قریب ده هزار اطفال
 فقراء بجای درس می خوانند اگر انشاء الله بهمت اهالی
 در کار دبستان رونقی باشد بقدر پنجاه هزار از ایتم خوراک
 و لباس داده بجهت تعلیم گذاشته خواهد شد سالار امجد
 حکمران بدبستان تشریف آورده از طرز تحصیل اطفال
 مشغوف و شاگردان را امتحان کرده انعام کلی بمدرسه
 و معلم دبستان مرحمت فرموده اند و نیز موقوفه بکنار
 رودخانه صافی تشریف برده بمشق نظام اهالی و علما
 و فدائیان تماشا کرده تمجید زیاده فرموده و جناب آقا میراقدیر
 انجمن و رئیس فدائیان که از اشخاص کاهی است یکطافه
 حال کران بها مرحمت فرموده اند

اهل الحاج حسن شکوهی

ترجمه تلکرافات خارجه

لندن ربيع الاخر

(ریس) پرسید ایابجهت رقابت و مقابله با خطهای
 تلگرافی المان که در مشرق افریقا میکشند ترتیبی داده
 شده (چرچیل) گفت ارتباط میان انگلستان و مشرق
 افریقا بدرستی ملاحظه شده است
 ریس گفت تجاریرا که تریاک از هند بشنکای چین
 میبرده اند در ماه اوریل گذشته (دوماه پیش) خبر رسیده
 که عجالتاً نمیشود معلوم کرد دولت انگلیس در خصوص
 تکلیفی که چین تحدید حمل تریاک نموده چه خواهد کرد
 ولی بدانچه قرار شود بتجارت خیر داده خواهد شد
 سیرترانس در پارلمان انگلیس از کم کردن ساعت
 کار مستخدمین کارخانه های هند سؤال کرد. مرلی در
 جوابش گفت من مهندوستان در این خصوص مشغول گفتگو
 میباشم و رابرتی چاب خواهم کرد

مخبر رو تر از هنگونگ تلگرافی میکند که هزار
 و دویست سرباز از کانتن بطرف سیوان رفته و دسته
 دیگر نیز از (تیوهنگ) حرکت کرده بدیشان ملحق
 خواهند شد رنجیدگان و شورشیان تمام خانواده یکی
 از صاحبمنصبان سواره را گرفته و مجبورشان کرده اند
 که خود را بدریا اندازند. انجمن سواتوان که محرک
 شورش است میگوید که ما ابداً کاری بفرنگیها نداریم
 بلکه مقصود ما سوزاندن عمارات دولتی و کشتن مأمورین
 دولت است تا باین ترتیب حکومترا مضمحل سازیم.
 هنوز اعضاء انجمن دست بکاری نزده ولی به (سواتون)
 پناهنده و متواری شده اند

هیئت کشیشان دویست و پنجاه هزار لیره بجهت
 مستمری کشیشان پیر و فقیر معین کرده اند

اعلان

یک دست عمارت عیال مرحوم بکمز عمادالاطباء
 مشتمل به بیرونی و اندرونی و حمام و باغچه بطرز جدید
 که سه هزار زرع میشود واقع است در خیابان دوشان تپه
 اول کوچه مریضخانه ینگ دنیایی بقیعت معمار فروخته
 و هم اجاره داده میشود طالبان رجوع باداره یومیه
 حبل المتین نمایند

(اعلان)

یک راس اسب روسی شش ساله بسیار تند رو
 برای درشکه فروخته میشود طالبان رجوع بکنند به
 مغازه رافایل در خانه بازیل خیابان لاله زار رو به روی
 خانه وزیر داخله

حسن الحسینی الکاشانی